



به میز محاکمه رسید

■ **محبوبه قربانی**

پسر ناخلف که به اتهام قتل پدرش در بازداشت به سر می برد به زودی در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه می شود. به گزارش جوان، شهریور سال ۹۸ مأموران پلیس تهران از مرگ مشکوک مردی ۷۰ساله در یکی از بیمارستان های شهر باخبر و راهی محل شدند. بررسی های اولیه نشان می داد آن مرد که هومن نام داشت در اثر حادثه آتش سوزی در مغازه اش مجروح و بعد به بیمارستان منتقل شده است، اما دختر هومن که در آن حادثه دستااش سوخته بود و تحت درمان قرار داشت، مورد تحقیق قرار گرفت. او عامل آتش سوزی را برادرش سیاوش معرفی کرد و از پلیس درخواست کمک کرد.

با ثبت توضیحات دختر جوان، پرونده با موضوع قتل عمد در دستور کار قرار گرفت و مأموران تحقیقات خود را آغاز کردند. در روند تحقیقات بود که آنها در یافتن سیاوش بعد از ترکاب جرم به مکان نامعلومی گریخته است. به این ترتیب سیاوش تحت تعقیب قرار گرفت و سرانجام چند روز بعد شناسایی و بازداشت شد.

متهم به پلیس آگاهی منتقل شد و تحت بازجویی قرار گرفت. او در اظهاراتش به مأموران گفت: «من و پدرم سال ها باهم اختلاف مالی داشتیم این اختلاف خیلی شدید شده بود و چند بار با هم درگیر شده بودیم. ما ساکن چهار دانگه بودیم و پدرم نزدیک خانه مان مغازه داشت. روز حادثه در مغازه بودم که پدرم سید. من و او دیواره بچشمان شد و درگیری بالا گرفت. پدرم در آن درگیری با پلیس ۱۱۰ تماس گرفت. بعد از این تماس من در مغازه نماندم و فرار کردم.»

متهم ادامه داد: «وقتی پدرم با پلیس تماس گرفت عصبانیتم بیشتر شد. همین طور با خودم کنار می رفتم که شیطان مرا وسوسه کرد تا مغازه را به آتش بکشم. برای انجام این کار یک ظرف بنزین تهیه کردم و به مغازه رفتم. مغازه نزدیک خانه مان بود. مسیر خانه تا مغازه را بنزین ریختم و سپس یک کبریت زدم. نمی دانم پدرم چطور دچار سوختگی شد. من فقط می خواستم مغازه را آتش بزنم و قفسدوسراندن او را نانشتم. همان موقع که آتش همه جا را گرفته بود، او ترس فرار کرد. اما چند روز بعد دستگیر شدم.»

با اقرارهای متهم، مأموران به تحقق از شاهدان حادثه پرداختند و آنها گواهی دادند که متهم روی سر پدرش بنزین ریخت و بعد از زدن کبریت سر پدرش دچار سوختگی شد. همچنین آنها گواهی دادند دختر متقول وقتی دید پدرش در حال سوختن است برای کمک به پدرش نزدیک شد و به همین خاطر دستاں او هم دچار سوختگی شد.

با توجه به گواهی شاهدان حادثه و قراین موجود، پسر جوان به اتهام قتل عمد راهی زندان شد و پرونده با صدور کیفرخواست کامل و به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. به این ترتیب پرونده بعد از تعیین شعبه در وقت رسیدگی در شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران تحت رسیدگی قرار خواهد گرفت.

قتل مرد معتاد در کمپ ترک اعتیاد

■ **آرمین بینا**

مرد معتاد که برای ترک اعتیاد به کمپ ترک اعتیاد در شرق تهران منتقل شده بود با خشونت مستخدمان به قتل رسید. تحقیقات کار آگاهان جنایی در سیاره ا این حادثه ادامه دارد.

به گزارش جوان، ساعت ۱۸ عصر روز سه شنبه ۲۴ خرداد قاضی محمدرضا صاحب جمعی، بازپرس ویژه قتل داسدسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران کلانتری ۱۳۶ فرجام از مرگ مشکوک مرد جوانی در یکی از بیمارستان ها با خبر و همراه تیمی از کار آگاهان اذر دهم به پلیس آگاهی راهی محل شد. تیم جنایی در بیمارستان با جسد مرد ۳۶ساله ای به نام سلمان روبه رو شدند که به طرز مشکوکی به کام مرگ رفته بود. نخستین بررسی ها حکایت از آن داشت مرد فوت شده چند ساعت قبل در حالی که حالش به شدت بد بوده و توان حرف زدن نداشته است، از کمپ ترک اعتیادی در شرق تهران برای درمان به بیمارستان منتقل می شود و تیم پزشکی هم تلاش زیادی برای نجات وی نمی تواند. تیم جنایی با آغاز اما در نهایت به خاطر شدت آسیب دیدگی فوت می کشد. تیم پزشکی به مأموران پلیس اعلام کرد زند زمانی که این مرد به بیمارستان منتقل شد سر و صورتش کبود و زرد بود که نشان می داد وی از سوی فرد یا افرادی مورد ضرب و جرح قرار گرفته است. از سوی دیگر مأموران پلیس در تحقیقات میدانی در یافتند ساعت دو بعد از ظهر روز دوشنبه مرد معتاد برای ترک اعتیاد به کمپ غیر مجازی در شرق تهران منتقل می شود، اما ۲۴ ساعت بعد پس از درگیری با مستخدمان کمپ ترک اعتیاد زخمی و در نهایت هم در بیمارستان فوت می کند.

■ **دستگیری ۲ مستخدم**

همچنین مشخص شد مقتول در کمپ با سه نفر از مستخدمان آنجا درگیر شده و آن سه نفر هم او را برای در مان به بیمارستان منتقل می کنند. بدین ترتیب سه متهم به دستور باز پرس جنایی بازداشت شدند و مورد بازجویی قرار گرفتند.

یکی از متهمان در ادعایی گفت: «مقتول معتاد به مواد مخدر کوکائین بود و به همین خاطر برای ترک اعتیادش به کمپ منتقل شده بود. او از همان لحظاتی که وارد کمپ شد داد و فریاد می کرد و آرامش کمپ ترک اعتیاد را هم ریخت. از طرفی هم از ما می خواست به او مواد بدهیم و به حرف ها و دستورات ما گوش نمی کرد و ما هم تصمیم گرفتیم او را تنبیه کوچکی کنیم و او را کتک زدیم.» وی در پایان با اظهار بشیمانی گفت: «ما قصد قتل نداشتیم فقط می خواستیم او ادب شود و ساکت باشد و فکر نمی کردیم او فوت کند.»

دو متهم دیگر نیز در بازجویی با اظهارات همدستشان را تأیید کردند. همزمان با ادامه تحقیقات درباره این حادثه، جسد به دستور باز پرس جنایی برای آزمایش های لازم و مشخص شدن علت اصلی مرگ به پزشکی قانونی فرستاده شد. متهمان برای تحقیقات بیشتر در اختیار کار آگاهان اذر دهم پلیس آگاهی قرار گرفتند.

حادثه آتش سوزی در جشن تولدی که در یکی از سفره خانه های شهرستان شهریار برگزار شده بود یا سرگ هشت نفر به پایان رسید. علت اولیه حادثه انفجار بادکنک هایی اعلام شده که با گاز هلیوم پر شده بود با این حال تحقیقات در این باره چرپان دارد.

حدود ساعت ۲۱ شامگاه سه شنبه ۲۴ خرداد ماه حادثه آتش سوزی در یکی از کافه های سنتی شهرک مریم شهرستان شهریار اتفاق افتاد. کافه در زیر زمین ساختمانی بود که شعله های آتش از آن زبانه می کشید. لحظاتی بعد امدادگران در محل حاضر شده و بعد از ایمن سازی موفق شدند در کمترین زمان آتش را مهار کنند. آنها همزمان پیکر یک مرد حدود ۵۰ ساله که گفته می شد صاحب کافه است، همسر و سه فرزند او، یک زن و دو کودک دیگر را از محل خارج کردند. امدادگران کودک سه ساله ای را که دارای علائم حیاتی بود به بیمارستان منتقل کردند، اما خیلی زود خبر رسید طفل هم فوت شده است. در اولین بررسی ها معلوم شد که در کافه جشن تولدی برقرار بوده است که بر اثر انفجار بادکنک حاوی گاز هلیوم حادثه آتش سوزی رقم می خورد. حاضران در جشن هم که از بیم آتش در انتهای کافه پناه گرفته بودند در حلقه دود و آتش گرفتار شده و به علت دود گرنگی جانشان را از دست داده بودند. مجتبی خالدی، سخنگوی اورژانس گفت که قربانیان حادثه سه کودک، سه تا شش ساله، سه خانم ۲۰ تا ۴۰ ساله و مردی حدود ۵۰ ساله بود. وی انفجار بادکنک هلیومی را علت اولیه حادثه اعلام کرد.

در مورد این حوادث گمانه زنی هایی مطرح است. یکی از گمانه زنی ها به شرایط پر کردن بادکنک های جشن تولد بازمی گردد. بسیاری از

حوادث

سرویس حوادث ۸۸۴۹۸۴۷۶

۸ کشته در انفجار بادکنک هلیومی

بی احتیاطی در استفاده از بادکنک هایی که با گاز هلیوم یا شهری پر می شود بروز حوادث را رقم می زند



خانواده ها می گویند وقتی برای برگزاری جشن تولد فرزندانمان به مراکز فروش لوازم جشن تولد مراجعه می کنیم، فروشندگان به ما دو گزینه پیشنهاد می دهند؛ بادکنک با گاز هلیوم یا گاز شهری ؟! از آنجا که بادکنک هایی که با گاز شهری پر می شوند هزینه کمتری دارند، خیلی ها دست به چنین انتخابی می زنند. این تزئینات تا زمانی خطرناک نیستند که در معرض آتش قرار نگرفته باشند. اما به محض اینکه یک وسیله قابل اشتعال مثل شمع یا قشقیشه روشن شود، این بادکنک ها منفجر می شوند.

جلال ملکی، سخنگوی آتش نشانی به «جوان» گفت: بادکنک هایی که با گاز شهری پر می شوند، همچون بمب عمل می کنند. درخواست ما از شهروندان این است که به هیچ عنوان به سمت بادکنک هایی که حتی با هلیوم پر می شوند نروند، چراکه آگاهی دقیقی از اینکه فروشنده بادکنک را با هلیوم پر کرده یا گاز شهری اطلاع ندارد. وی افزود: بهتر است از روش باد کردن سنتی برای بادکنک ها استفاده شود و گر نه بی شک خطرات جدی در کمین مردم خواهد بود.

حکم قصاص ۴ قاتل اجرا شد

■ **غلامرضا مسکنی**

حکم قصاص چهار متهم که در جریان پرونده های جداگانه مر تکب جنایت شده بودند، سحرگاه دیروز در زندان رجایی شهر اجرا شد. دو متهم نیز با تلاش تیم صلح و سازش دادسرای امور جنایی موفق به گرفتن مهلت شده و سه سلول های شان بازگذاشته شدند.

به گزارش جوان، باامداد دیروز شش قاتل که در حادثه های جداگانه در سال های قبل مر تکب قتل شده بودند، پس از گرفتن استیذان حکمشان و درخواست قصاص از سوی اولیای دم برای اجرای حکم در زندان رجایی شهر پای چوبه دار رفتند. در حالی که طناب دار بر گردن متهمان اوخته شده بود، هیئت صلح و سازش دادسرای امور جنایی تهران تلاش زیادی برای جلب رضایت از اولیای دم آغاز کردند و موفق شدند برای دو متهم از اولیای دم مهلت بگیرند، اما چهار متهم دیگر با اصرار اولیای دم قصاص شدند.

■ **قاتل پدر و مادر**

نخستین متهمی که قصاص شد پسر ۳۲ساله ای به نام بهمن بود. بهمن ۳۰ خرداد سال ۹۷ به خاطر اعتیادش به مواد مخدر مادر ۲۸ساله و پدر ۵۵ساله اش را با شلیک گلوله به قتل رساند و برادرش را نیز زخمی کرد.

آن روز ساعت ۱۵ بعد از ظهر به مأموران کلانتری تهران نو خبر رسید، زن و شوهری با شلیک گلوله در خانه شان حوالی خیابان دماوند به قتل رسیده اند و یکی از پسرانشان هم زخمی شده است.

وقتی مأموران به محل حادثه رسیدند بهمن با سناریو ساختگی قصد فریب مأموران را داشت و مدعی شد که چند مرد نقابدار به خانه آنها حمله کرده و پدر و مادرش را به قتل رسانده اند و برادرش را نیز زخمی کرده اند، اما وی وقتی با برادرش که شاهد عینی حادثه بود روبه رو شد به جنایت هولناک اعتراف کرد. وی گفت: «معتاد به مواد مخدر تریاک بودم و به خاطر همین همیشه با پدرم درگیری داشتم. صبح روز حادثه وقتی از خواب بیدار شدم دیدم پدرم به من پیام داده که باید از خانه آنها بروم. خیلی عصبانی شدم و در آنجا مشغول مصرف مواد بودم که پدرم از راه رسید و با پا به زیر سواد تریاک زد. پشت سرش به داخل خانه رفتم و در آنجا با هم درگیر

شدم که اسلحهام را از زیر میبل برداشتم و به سویش شلیک کردم. پس از این مادرم شروع به داد و فریاد کرد و به سوی او هم شلیک کردم. می خواستم از خانه بیرون بروم که برادرم از راه رسید و او را هم با شلیک گلوله ای زخمی کردم.» متهم صبح دیروز در نهایت پس از گرفتن استیذان حکمش قصاص شد.

■ **دوئل عشقی**

دومین متهمی که قصاص شد، پسر جوانی به نام حمید بود. متهم ساعت ۱۲ ظهر روز شنبه ۲۷مهر سال ۹۸ رقیب عشقی اش را به نام فرامرز درگیری در خیابان مقداد در جنوب تهران به قتل رساند.

روز حادثه بررسی های مأموران پلیس نشان داد، حمید و فرامرز هر دو عاشق دختری به نام شهین بوده اند که به همین خاطر با هم در فضای مجازی آزر خوانی داشته اند و روز حادثه هم قرار درگیری می گذارند که در آن درگیری فرامرز با اصابت ضربه چاقو به قتل می رسد.

قاتل پس از دستگیری به قتل اعتراف کرد، گفت: «مقتول دوست قدیمی و بچه محل ما بود، اما او از مدتی قبل برای دختر مورد علاقه ام مزاحمت ایجاد می کرد. مقتول مدعی بود شهین را دوست دارم، اما شهین به او جواب ر داده بود. روز حادثه با او قرار گذاشتم تا با هم حرف بزنیم و با شهین به محل قرار رفتیم. او با دوستانش آمده بود و کار به درگیری کشید و در جریان درگیری فرامرز به صورتم اسپری اشک آور پاشید و من هم چاقویی به سویش کردم و به قتل رسید.» متهم پس از صدور کیفرخواست در شعبه چهارم دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شد و هیئت قضایی هم وی را به جرم قتل عمد به قصاص محکوم کردند. پرونده متهم پس از تأیید حکمش از سوی دیوانعالی کشور برای سیر مراحل اجرای

حکم به دادسرای امور جنایی تهران فرستاده شد. متهم قبل از این دو بار پای چوبه دار رفته بود و در آخرین لحظات مهلت گرفته بود، اما سحرگاه دیروز در زندان رجایی شهر حکمش با حضور اولیای دم اجرا شد.

■ **قتل دوست**

سومین متهمی که قصاص شد، پسر جوانی به نام اشکان بود. وی در یکی از روزهای تیرماه سال ۹۸ در یکی از پارک های شهرک لویصر در جنوب تهران در درگیری دوستش را به قتل رساند. مأموران در بررسی های میدانی دریافتند قاتل و مقتول از مدتی قبل با هم اختلاف داشته تا اینکه روز حادثه داخل پارکی با هم قرار دعوی می گذارند. در آن درگیری اشکان با چاقو ضربه ای به گردن دوستش کوشان می زند و همان ضربه باعث قتل او می شود. مأموران در ادامه قاتل را دستگیر کردند و متهم نیز به قتل اعتراف کرد. اولیای دم در دادگاه برای قاتل درخواست قصاص دادند و هیئت قضایی هم حکم قصاص صادر کرد. متهم سحرگاه دیروز در زندان رجایی شهر حکمش اجرا شد و پرونده اش برای همیشه بسته شد.

■ **چشم در چشم خونین**

چهارمین قاتل که سحرگاه دیروز در زندان رجایی شهر پای چوبه دار رفت و قصاص شد، بهرام نام داشت. متهم ۱۲ خرداد سال ۹۸ در یکی از خیابان های تهران با مردی به نام حامد چشم در چشم شد و درگیری خونینی رقم زد. آن روز وقتی مأموران به محل حادثه رفتند، یکی از شاهدان عینی گفت: «مغز خواربار فروشی دارم و دقایقی قبل در حال تخلیه بار بودم که دیدم دو مرد باهم منساجره لفظی می کنند. هنوز لحظاتی نگذشته بود که درگیری آنها بالا گرفت و یکی از آنها با چاقو دیگری را به قتل رساند و فرار کرد.»



متهم پس از دستگیری به قتل اعتراف کرد و اولیای دم هم برای او درخواست قصاص کردند. وی نیز صبح دیروز با اجرای حکم قصاصش پرونده اش بسته شد.

■ **همسر کشی**

پنجمین قاتل که صبح دیروز برای اجرای حکم پای چوبه دار رفت، اما با گرفتن مهلت از اولیای دم به زندگی امیدوار شد. مردی به نام شهاب است. وی ۱۸ آبان سال ۸۴ در یکی از شهرک های اطراف شهر کرج در درگیری همسر باردارش را به قتل رساند. متهم پس از دستگیری با اظهار بشیمانی به قتل همسرش اعتراف کرد. وی صبح دیروز برای اجرای حکم در زندان رجایی شهر پای چوبه دار رفت، اما با میانجیگری دوستش کوشان می زند و همان ضربه باعث قتل او می شود. مأموران در ادامه قاتل را دستگیر کردند و متهم نیز به قتل اعتراف کرد. اولیای دم در دادگاه برای قاتل درخواست قصاص دادند و هیئت قضایی هم حکم قصاص صادر کرد. متهم سحرگاه دیروز در زندان رجایی شهر حکمش اجرا شد و پرونده اش برای همیشه بسته شد.

■ **چشم در چشم خونین**

چهارمین قاتل که سحرگاه دیروز در زندان رجایی شهر پای چوبه دار رفت و قصاص شد، بهرام نام داشت. متهم ۱۲ خرداد سال ۹۸ در یکی از خیابان های تهران با مردی به نام حامد چشم در چشم شد و درگیری خونینی رقم زد. آن روز وقتی مأموران به محل حادثه رفتند، یکی از شاهدان عینی گفت: «مغز خواربار فروشی دارم و دقایقی قبل در حال تخلیه بار بودم که دیدم دو مرد باهم منساجره لفظی می کنند. هنوز لحظاتی نگذشته بود که درگیری آنها بالا گرفت و یکی از آنها با چاقو دیگری را به قتل رساند و فرار کرد.»



درخواست اشد مجازات برای پلیس های قلابی

■ **فاطمه صبور**

دو سارق حرفه ای که با پوشیدن لباس پلیس و تهدید اسلحه مر تکب سرقت شده بودند در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شدند.

به گزارش جوان، چندی قبل مردی با مراجعه به اداره پلیس از دو مرد جوان به اتهام سرقت شکایت کرد و در توضیح گفت: «روز گذشته برای انجام کاری در خیابان زعفرانیه سوار موتور بودم. داشتم به مسیرم ادامه می دادم که یکباره یک موتورسیکلت با دو سرشنین سد راهم شدند و در حالی که لباس پلیس پوشیده بودند اسلحه و دستبند داشتند از من مدارک خواستند. به آنها گفتند مدارک همراهم نیست. دو راکب موتور سوار مرا تهدید کردند، سپس خواستند همراهشان به اداره پلیس بروم. خیلی ترسیده بودم و با اینکه کاری نکرده بودم به خاطر رفتار آنها به خودم شک کردم که شاید خلاقی مر تکب شده ام و خودم نمی دانم!»

شاکی ادامه داد: «دو مرد جوان سوار موتور من شدند و خواستند حرکت کنم. در مسیر یکی از آنها گفت تشنه است. سپس از من خواست مقابل یک سوپر مارکت توقف کنم و از مغازه یک آب معدنی بخرداری کنم. پیاده شدم، اما همین که داخل مغازه رفتم دیدم آن دو نفر به سرعت با موتورم گریختند. آنجا بود که فهمیدم فریب خورده ام و آنها سارق بودند.»

با طرح این شکایت درییاب دو سارق مأمورماندر دستور کار قرار گرفت و در روند تحقیقات سرانجام دو مرد جوان شناسایی و دستگیر شدند. متهمان با انتقال به پلیس آگاهی ابتدا جرمشان را انکار کردند، اما در روند بازجویی های فنی سرانجام به جرم ارتکابی خود اعتراف کردند و راهی زندان شدند.

پرونده با صدور کیفرخواست به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و در وقت رسیدگی روی میز هیئت قضایی شعبه پنجم دادگاه قرار گرفت. ابتدای جلسه شاکی بار دیگر شکایت خود را مطرح کرد و گفت درخواست اشد مجازات دارد.

سپس یکی از متهمان به جایگاه رفت و با اقرار به جرمش گفت: «هدتی قبل از حادثه مشغول کار بودم، اما به دلایلی بیکار شدم و درآمدی نداشتم. این شد که نقشه سرقت به سرم زد و در این رابطه با دوستم مشورت کردم. او هم قبول کرد و بنا به نقشه با هم لباس مأمور تهیه کردیم و با پوشیدن آن به خیابان زعفرانیه رفتیم. با استفاده از تاریکی شب وقتی شاکی را دیدیم سد راهش شدیم و به بهانه نداشتن مدارک او را تهدید کردیم. که همراهمان به اداره پلیس بیاید. بین راه بود که به بهانه خرید آب معدنی موتورش را سرقت کردیم.»

او در ادامه ادعای شاکی درباره داشتن اسلحه را رد کرد و گفت: «شاکی دروغ می گوید ما دستبند نداشتیم، اما اسلحه ای همراهمان نبود. فقط لباس مأمور پلیس پوشیده بودیم و دستبند نداشتیم.» سپس دیگر متهم نیز با تأیید توضحات همدستش از خودش دفاع کرد و گفت پشتیبان است.

در آخر هیئت قضایی بعد از شنیدن آخرین دفاع متهمان وارد شور شد.

مرگ کودک بیمار

پس از پنجر کردن

چرخ های آمبولانس!

پنجر کردن چرخ های آمبولانس از سوی فردی ناشناس سبب شد کودک بیمار به موقع به مرگزر درمانی منتقل نشود و جانش را از دست بدهد.

به گزارش تسنیم، ساعت ۱۴:۴۲ سه شنبه ۲۴ خرداد به امدادگران اورژانس خیر رسید، دختر بچه ای دو ساله دچار ایست قلبی – تنفسی شده است. بعد از آن بود که امدادگران راهی محل در خیابان بهشتی شدند. به دلیل ترافیک سنگین در خیابان و نبود جای پارک، امدادگران آمبولانس را با رعایت احتیاط در خط ویژه پارک کرده و بر بالین طفل حاضر شدند. آنها موفق شدند با اقدام های اولیه طفل را احیا و برای انتقال به بیمارستان به آمبولانس منتقل کنند که متوجه شدند چرخ های آمبولانس پنجر شده است. به دلیل وضعیت دشوار طفل ناچار درخواست آمبولانس کمکی کردند، اما کودک قبل از رسیدن آمبولانس فوت شد.

مفقودی

برگ سبز خودروی وانت آریسان تیپ PU1OHVG CNG مدل ۱۳۹۵ رنگ خاکستری متالیک به شماره پلاک (ایران ۳۸-۷۷۵۸۶۲) و شماره موتور ۱۱۸۱۲۵۳۴۲ و شماره شاسی ۱۲۱NAAB۶۶PE۹GV۶۶۰ مربوط به عیسی رستمی مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد. البرز

مفقودی

برگ سبز و سند مالکیت خودرو سواری پژو ۲۰۶ مدل ۱۳۸۵ تیپ ۳ به شماره شاسی ۱۰۸۳۲۹۵۷ و شماره موتور ۱۳۰۰۸۵۰۰۹۲۴ و شماره پلاک ۳۲۱ص۱۵۴ ایران ۵۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. گلستان